

نمایندگان در این باب از دولت سوال شده و هیچکس نیامید در اینجا بگوید در اینجا چه اقدامی کرده اند و چه نقشه کشیده اند و چه مساعدتی از مجلس میخواهند عرض بنده در این است که حکومت طهران با اینکه حس میکند این اشکالات در پیش است ابدأ بتوسط وزارت داخله نقشه خیال خودش را بمجلس اظهار نمیکند و وزارت داخله هم بهیچوجه برای جواب حاضر نمیشود بنده هم که یکی از نمایندگان هستم نمیدانم مجلس شورای ملی چه مساعدتی باید با هیئت دولت بکند؟ مجلس که داخل در جریان امور نیست از طرف دولت هم که برای مذاکره حاضر نشده اند همین قدر ما می بینیم مردم در فشارند بنده میخواستم بدولت تا کبد شود و دولت را از عاقبت و خیمی که اینکار دارد مطلع کنند که اگر جلو گیری نشود هم اسباب زحمت مردم و هم اسباب زحمت خود آنها خواهد شد.

حاج مومنین التجار - بنده هم شاهزاده سلیمان میرزا موافقم که حکومت طهران جدیدت خودش را باعلی درجه دارد بنده دیروز در هیئت وزراء بودم حکومت طهران خدمت آقای رئیس الوزراء آمده بود و باخیلی اصرار و التجاه اظهار میکرد که اگر یک توجهی در این باب نشود عمل نان طهران دچار اشکالات خواهد شد ولی آنچه بنده از گوشه و کنار حس کرده ام یک اعتراض و یک نظریاتی در اینمطلب دیده میشود که جنس بطهران نباید و مردم دچار صدمه و اشکال شوند اگر یک کمیسیون بشود باید این نکته را ملتفت باشند که یک انگشت و یک نظر یاتی در این مطلب هست و باید آنرا چاره کنند والا تا بحال از اطراف یعنی از عراق و قزوین و غیره باید جنس بطهران وارد شده باشد.

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواست است (مجلس مقارن غروب ختم شد).

جلسه ۷۵

صورت مجلس روز یکشنبه چهارم دهم شهر ذیحجه ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه یازدهم قرائت شد

غائبین با اجازه - آقایان عدالملک - شریعتمدار صدرالملک - حاج سیداسدالله قزوینی - میرزا قاسمخان غائبین بدون اجازه - آقایان محمدشاه میرزا نجفقلی میرزا - مریم - آقایان مبهراالملک - آقا شیخ رضا دهخوارقانی

رئیس - با صورت مجلس مخالفی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - مخالفی نیست صورت مجلس تصویب شد - دستور امروز شور دوم قانون قشون گیری است و بعد انتخاب چند نفر بجای آقایانیکه در کمیسیونها مستعفی شده اند اول باید رای بگیریم که داخل در شور دوم قانون قشون گیری بشویم یا نه آقایانیکه تصویب میفرمایند داخل در شور دوم بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - اساس قشون گیری دولت ایران بطرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی) است

رئیس - در ماده اول مخالفی هست یا نیست؟

(مخالفی نشد)

رای میگیریم بماده اول آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود (بقرار ذیل خوانده شد)

ماده دوم - افواج پیاده و دستجات سوار و توپخانه تا تعدیل ثانوی از طرف وزارت جنگ بموجب قانون مصوبه مجلس بعمل نیامده کمافی السابق از محلها و ایلاتی که تا کنون مطابق بنیچه قشون می دادند گرفته میشود

رئیس - در این ماده مخالفی هست؟

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - تعدیل از طرف وزارت جنگ صحیح نیست بجهت اینکه این سرباز گیری تابع مالیات است و تا مالیات تعدیل نشود تعدیل سرباز ممکن نیست باید نوشت این تعدیل بانظر وزارت جنگ و وزارت مالیه خواهد شد

مخبر - همانطوری که در شور اول بنده مفصلاً توضیح دادم البته باید تعدیل مالیات بانظر وزارت مالیه باشد ولی اینجا ما صحبت از سرباز گیری میکنیم و مالیات ظاهر آ کاری نداریم اگر چه باطناً باهمدیگر مربوطند اما چون این قانون نظام است راجع بوزارت جنگ خواهد بود و ما اسمشرا تعدیل وزارت جنگ میگذاریم منتها بعد از پیشنهادهاییکه در شور اول شد این ماده تغییر کرد و اینطور نوشته شد که تعدیل بموجب قانون مصوبه مجلس بعمل خواهد آمد و گمان میکنم وقتی اینطور شد یعنی موقبعیکه میخواهند تعدیل بکنند لایحه آن بمجلس بیاید و مجلس رای بدهد که عده سرباز هر محلی چقدر باشد دیگر جای گفتگو باقی نماند.

حاج امام جمعه - اسامی سرباز گیری سابق خیلی مختلف بوده است و هر جا یک ترتیب علیحده داشته است و در بعضی جاها خیلی بی ترتیب بوده حالا هم اگر بخواهیم بدون تعبیه همان اسامی را تعقیب کنیم باز مثل سابق اسباب زحمت خواهد شد مثلاً بعضی جاها کمتر میداده اند اگر وزارت جنگ بخواهد همان ترتیب را بدون تصفیه تعقیب کند اسباب زحمت بزرگی خواهد شد چون در این قانون هیچ اختیاری در تعدیل بنیچه بوزارت جنگ داده نشده آقایان مخبر و سایر آقایان مسبوق هستند که آن عده که سابق در روی کاغذ بود خیلی بیشتر از هفتاد و پنجاه هزار نفر بود ولی در خارج اینقدر نبود پس خوب است در اینجا یک اختیاراتی در تعدیل بنیچه ما بوزارت جنگ داده شود والا اگر بخواهد همان بنیچه سابق را همانطوریکه بوده تعقیب کند در بعضی موارد بخیلی از اشکالات بر میخورد.

مخبر - در شور اول در این باب کاملاً مذاکره بعمل آمد و عقیده وزارت جنگ هم این بود که تا یک اندازه باید اختیار داشته باشد که بعضی محلها را که بکلی بیجا میدانند تعدیلی بعمل بیآورد یعنی از عده سرباز آنجا بتواند کم بکند و بر یک نقطه دیگر (که استطاعت دارد و آبادیش بیشتر است و بهتر میتواند سرباز بدهد) بیفزاید که هم از عهده قشون کاسته نشده باشد و هم بر رهیت فشار زیادی وارد نیامده باشد در این خصوص مذاکرات زیادی در مجلس شد و بعضی پیشنهادها شد و بکمیسیون رفت

بعد اینصورت را پیدا کرد نظر آقا باذربایجان است بنده خودم هم تصدیق دارم که در آذربایجان در بعضی محلها سرباز زیاد و بعضی محلها خیلی کسر و نقصه دارد و باین ترتیب گمان میکنم وزارت جنگ مجبور خواهد بود که بعد از گذشتن این قانون فوری بتعدیل قشون آذربایجان شروع کند و یک صورت تعدیلی مرتب نماید و بمجلس بفرستد و وقتی از مجلس گذشت البته بموقع عمل خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید الاسلام مخالفید؟

مؤید الاسلام - توضیح میخواهم در سابق که قشون را بطرز بنیچه می گرفتند در کرمان که بنده اطلاع دارم خیلی املاک از دادن سرباز معاف شده بودند در صورتیکه عنتی هم نداشت فقط فرمان صادر کرده بودند که از فلان ملک سرباز گرفته نشود آیا آن املاک باز بعد از گذشتن این قانون معافند یا خیر و از هفت هزار و دهشاهی که بنیچه معمول بوده است از تمام املاک سرباز خواهند گرفت خوب است آقای مخبر اینمطلب را توضیح بفرمایند.

مخبر - آن ولایاتی که فرمان داشته اند یعنی فرمانهای زمان ناصرالدین شاه که قبل از مشروطه بوده است البته آن فرمانها مناط اعتبار است (حالا هم معاف خواهند بود تا موقبعیکه تعدیل ثانوی بعمل میآید آنوقت اگر دولت در بد آن محلها میتوانند سرباز بدهند البته سرباز از آن جاها مطالبه خواهد نمود و الا همانطوریکه معاف بوده اند معاف خواهند بود ولی از اول مشروطه تا بحال باید بمجلس باشد

سردار معظم - بنده تصور میکنم این ماده همانطوریکه در شور اول نوشته شده بود خیلی بهتر بود چون اگر این ماده راجع باساس قشون گیری بود بنده هم موافق بودم که البته اساس قشون گیری باید بر حسب یک لایحه ثانوی بمجلس پیشنهاد شود و از مجلس بگذرد ولی ماده دوم راجع باساس قشون گیری نیست بلکه راجع بمحلهاست است که باید قشون بدهند و راجع بخرج و تعدیلهائی است که ممکن است در آن محلها واقع شود بنابراین بنده صحیح نمیدانم وزارت جنگ را مقید کنیم که بعد از یک قانونی که از مجلس میگذرد این خرج و تعدیلهای را بکنند فرض کنید یک محلها هست که وزارت جنگ ما یک ملاحظات و دقتهایی می بیند استطاعت دادن سرباز را ندارد (حالا بنده حرفی ندارم که آن ملاحظات دقتها را زیاد کنیم یا شرایطش را سخت تر کنیم یا نظر وزات مالیه را شرط کنیم) اما اگر این قبیل محلها بود وزارت جنگ چه کند؟ آیا باید از آن محل صرف نظر کند و از محل دیگر عوض بگیرد یا اینکه از برای معافیت آن محل و عوض گرفتن باید یک لایحه قانونی بمجلس بیآورد مخصوصاً صورتیکه ضمیمه این قانون است فقط صورتی است که روی کاغذ ثبت شده است و یک قسمت آن ابداً وجود خارجی ندارد و اگر دقت شود فقط یک دل خوشی خواهد بود که فلانجا را چهار صد نفر سوار و فلانجا را یا صد نفر سرباز تصویب کرده ایم خیر مقصود مجلس این نیست بلکه مقصود مجلس این است که وقتی این قانون از مجلس میگذرد واقماً و عملاً دولت ایران دارای

یک عده قشون یادار شود پس وقتیکه این نظرها داشته باشیم آن وقت دیگر نمیشود وزارت جنگ را مقید کرد که در هر موقعیکه میخواست جرح و تعدیلی بکند حتماً یک لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد کند و در آن دو شور بشود و تصویب شود که وزارت جنگ پنج نفر سر بازار فلان ده معاف کند و از فلان ده نفر عفو بکند بنظر بنده این ترتیب در عمل اسباب اشکال خواهد بود و همانطوریکه این ماده در شور اول نوشته شده بود بهتر است و باید وزارت جنگ اینقدرها حق و اختیار داشته باشد که مجلهای سر بازار بده را جرح و تعدیل بکند و در شور اول ایرادی که شد این بود که ممکن است آن معافیتها در هر مورد کاملاً از روی استحقاق داده نشود بسیار خوب در این صورت ممکن است نظر وزارت مالیه یا تصدیق حکومت را شرط کنند که بر صحت عمل افزوده شود و وزارت جنگ هم دست و پایش بسته نشده باشد

حاج عز الممالک - این تغییر کدر ماده دوم داده شد تقریباً بر حسب پیشنهادهایی است که در شور اول بنده و بعضی آقایان کردیم و در حقیقت روح آن پیشنهادها این است که این اختیار به وزارت جنگ داده شود برای اینکه ما امروز قانون مینویسیم و حقیقتاً نمیخواهیم یک تحمیل تازه اشخاص بکنیم بلکه میخواهیم اساس بنیچه یعنی اساسی که از روی آن مالک یا رعیت سر بازار رعیت میداده اند همان اساس معکم و برقرار بماند و اگر اختیار وزارت جنگ میدادیم که خودش در بنیچهها تعدیلی بکند همان اشکالاتی که تا بحال پیش آمده است و آقای مؤیدالاسلام هم توضیح خواستند باز پیش می آید اینجا گفته میشود که اختیار بوزارت جنگ داده شود ولی باید دانست این هیئتی که در طهران وزارت جنگ نامیده میشود در ولایات همین وزارت جنگ نیست و مأمورین دارد که هرات از رئیس قشون و مأمورین سر بازار گیری است اگر چنانچه بوزارت جنگ اختیار داده میشود آنوقت این مأمورین مختار میشوند که یک دهی را از دادن سر بازار معاف نمایند و برده دیگر تعدیل کنند و همین ترتیب اسباب آبادی یک ده و خرابی ده دیگر میشد و شاید رؤسای افواج طوری می کردند که بکند معنی بواسطه تعدیل بی اندازه از نگاهداری املاک خودشان حاضر شوند پس امروز مجلس فقط آن ترتیب بنیچه یعنی اساس مالیاتی را که سابقاً مردم میداده اند و محل اختلاف هم نبود تصویب میکند حالا اگر باید یک تعدیل ثانوی بشود یا بعضی جاها هست که قادر سر بازار دادن نیستند و سر بازار از آن گرفته میشود یا بعضی جاها هست که قادر هستند و سر بازار نمیداده اند این سبب نمیشود که بوزارت جنگ اختیار داده بشود بلکه بایستی در تحت یک قانون ثابت یعنی یک ترتیب متساوی باشد و باید از برای سر بازار گیری در تمام مملکت یک قانونی بمجلس پیشنهاد شود و پس از تصویب وزارت جنگ مطابق آن قانون بطرز جدید سر بازار بگیرد و الا تا وقتیکه قانون معینی بمجلس پیشنهاد نشده باید همان طرز بنیچه یعنی همان ترتیبی که سابقاً معمول بوده معمول

باشد و همان عده سر بازی که هر محل بدولت میداده است همان عده را بدهد و نمیشود اختیار بوزارت جنگ داد که یک عده را از یک محلی کم کند و بر محلی دیگر بیفزاید

حاج امام جمعه - چون من معایب خیلی زیاد این مسئله را میدانم این است که مجبور در این جا درست است این مطلب را توضیح بدهم بنده تصور میکنم این حرف هائی که آقای حاج عز الممالک گفتند بر خلاف مقصود اول است یعنی مقصود ما از هر قانونی که در اینجا میگذرد خاصه در این قانون که برای اسلام میخواهیم قشون تهیه کنیم باید باین نظر تساوی این قانون را بگذرانیم البته همه آقایان تصدیق میکنند که باید بطور تساوی این مسئله را تعقیب کنیم و یک جائی برسانیم و چون بنیچه های سابق در هر شهری مختلف بود حکومت یک زمینه صحیحی را غالباً تعقیب میکرد من خود بصیرت تامه دارم که یک دهی که استعداد کامل دارد و باید از روی همان بنیچه سر بازار بدهد فرمان صادر کرده اند و از دادن سر بازار معاف شده است و یکده دیگر که ایداً استعداد ندارد مجبورش کرده اند و از روی همان مالیات و بنیچه سر بازار خودش را بدهد و چون نمیتواند از عهده دادن سر بازار بر آید اینستکه همیشه فوجها کسر و نقصان پیدا میکردند است حالا اگر میخواهیم یک کار با اساسی بکنیم و واقعاً همانطوریکه آقای سردار گفتند قشون روی کاغذ نباشد قشون صحیحی داشته باشیم باید بنیچه هر ولایتی را همان ترتیب که سابق بوده وزیر جنگ معمول بدادد مثلاً اگر این ولایت بنیچه بر این بوده که هر سی تومان مالیات یک نفر سر بازار بدهد آنرا بطور تساوی از تمام هات بگیرند چون خیلی جاها هست که امروز هیچوجه سر بازی نمی دهد و حال آنکه حق ندارد که سر بازار نداشته باشد و خیلی جاها هست خراب است و نمیتوان از عهده دادن سر بازار بر آید مهذا او را مجبور بدانند سر بازار می کرده اند پس ما که در اینجا میگوئیم اختیار و حق نظری بوزارت جنگ بدهیم مقصودمان این نیست که مأمورین وزارت جنگ اختیاری داشته باشند و بتوانند با هالی تعدی و تجاوز بکنند یعنی منظور من این نیست و هیچوقت نمیتواند این باشد بلکه مقصود من این است که مأمورین صحیح بفرستند و بطور عدالت و مساوات اینکار را بکنند نه اینکه جاهائیکه سابق فرمان صادر شده است و معافند و هیچ حق معافیت ندارند آنها را معاف بدارند خیلی جاها را هم دولت بمالیاتش تخفیف داده است باید آن تخفیف را ملاحظه کنند سر بازارش را هم ملاحظه کنند و الا اگر بنیچه قدیم را بخواهند تعقیب کنند محققاً اینکار خوب به آخر نمیرسد و بداشتن یک قشون صحیحی موفق نمی شویم حالا دیگر اختیار با آقایان است

مخبر - اولاً میخواستم عرض کنم که اینجا مقصود از گذرانیدن این قانون بعد از نظریاتی که شد این بود که همان ترتیب بنیچه که تا بحال معمول بوده است من بعد هم معمول باشد و یک فرصتی بوزارت جنگ دولت داده شود که از روی اطلاع به نتوانند یک تعدیلی بکنند این قانون امروز برای تعدیل نیست از برای تصویب ترتیب بنیچه است اما اینکه فرمودند مجلهای سر بازار بده اختلاف بنیچه دارند معلوم است بعضی

افواج با بعضی دیگر اختلاف بنیچه دارند و بنده هم این مسئله را تصدیق دارم ولی اگر در مآخذ آن فوج و عللی که اسباب اختلاف بنیچه شده است دقت شود تصدیق خواهند فرمود که هیچکدام اینها موقع و بیجا نبوده است مثلاً یک ولایتی که آب آن از رودخانه بوده و زحمت قنات نداشته اند از همانطوریکه بر مالیات آن یک قدری افزوده اند بر سر بازار هم افزوده اند و عوض اینکه از پنج تومان مالیات یک سر بازار گرفته شود از بیست و پنج هزار یک سر بازار گرفته اند من هم بطور هر جا که یک اختلافی پیدا شده است از بابت آب و هوا و جمعیت و آبادی و ملک بوده است و این قبیل چیزها را در بنیچه افواج دخالت داده اند و اختلافاتی که پیدا شده است از این نقطه نظر بوده است اما اینکه میفرمایند باید نظر وزارت جنگ را مدخلیت داده بنده خودم هم سابقاً عقیده ام این بود و قبلاً هم از این رای دفاع میکردم ولی با پیشنهاد هائیکه شد و ایراداتی که آقایان کردند این ماده به کمیسیون برگشت و با نظر وزارت جنگ باینصورت درآمد هر چند که آقای وزیر جنگ هم بیگام فرستاده بودند که نظر ایشان بهمان هفتاد و پنج هزار نفر است ولی برای این که ملاحظه نظریات آقایان شده باشد و اختیارات را کلیتاً به وزارت جنگ ندادند ما بشیم که هر جا بخواهد مردم را از دادن سر بازار معاف کند این بود که همان صورت مشخص معین را که در عهد مظفر الدین شاه معمول بوده و هشتاد و سه هزار و کسری است آنرا مناط قراردادیم و قرار گذاشتیم که اگر از آن مقدار چیزی کسر باشد بعد از تحقیقات لازمه لایحه اش بمجلس بیاید و مجلس تصویب کند و خود وزارت جنگ آن قدرت را نداشته باشد که سر بازار از یک نقطه معاف کند و بر سر بازار نقطه دیگر بیفزاید این نظر بنده و کمیسیون بود که عرض کردم حالا بسته برای آقایان است و البته هر طورا کثرت مجلس رای بدهد مطاع است

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده لازم میدانم آنچه در خارج واقع است یکمقداری از آنرا عرض کنم در ایران خواسته اند از روی مالیات سر بازار بگیرند و مقدار سر بازار را باین مالیات تقسیم کنند و مثلاً از هر صد تومان یک نفر یا دو نفر سر بازار بگیرند اگر در تمام مملکت و در همه جا همین طور بود یک عدلی بود یعنی اگر بنا باشد سر بازار از روی مالیات بگیرند در صورتیکه وضع مالیات را بعد کرده باشند از روی عدل است ولی اولاً بملاحظاتی در وضع مالیات عدل نشده است بعد هم در سر بازار بستن باز ملاحظاتی شده است و بعضی وساطت و چه وجه بوده است که رعایت عدالت نشده و یکجا را معاف کرده اند و بگردن فلان جا گذاشته اند این جورها واقع شده است حالا اگر باز یک اختیار دیگری هم بیک اشخاص خاصی بدهیم آنها هم میروند و معلوم نیست بچه قانون بچه ترتیب اینکار را انجام میدهند باز دلخواه میشود و بطور دلخواه و میل سر بازار از اینجا بر میدارند و بجای دیگر میگذارند و باز یک ترتیب دیگری برای ترتیب سابق افزوده میشود و نتیجه این شده است که بنده میدانم چندین ده بالکلیه خراب شده و از صاحبش سوار میگيرند و

چندین ده که آباد شده است هیچ سوار و سر بازی نمی دهند و این از بابت تمامی است که هفتاد سال در یک مملکتی ممیزی و تعدیل شده و خرابی و آبادی ملاحظه نشده این چیزهایی است که تا بحال واقع شده است امروز هم نمیشود اختیار بیک نفر داد که از هر جا بخواهد بردارد و بهر جا بخواهد بگذارد و با این حال و اطلاعاتیکه داریم نمیتوانیم تصدیق کنیم ماخذ قشون گیری ما اینطور باشد اصلاً باید در مالیات یک ممیزی (بشرطیکه مجلس رای میدهد) بشود زیرا که قشون گیری فرع مالیات است و هر جا مالیات را تعدیل میکنند سر بازار را هم از روی آن تعدیل کنند چون این هم مثل مالیات است جهت ندارد یک ده که باید دو نفر سر بازار بدهد یک نفر بدهد این غلط است پس اولاً باید در مالیات یک تعدیلی بشود و این سر بازار که فرع آن است از روی آن تعدیل شود و اگر تعدیل کردن مالیات طول داشته باشد باز دولت میتواند بانظر وزارت مالیه بخرابی و آبادی نظر کند و این امر را اصلاح کند باین ترتیب که مأمورین از طرف وزارت داخله و وزارت جنگ و مالیه بروند و خرابی و آبادی را ببینند و از روی آن یک تعدیلی برای سر بازار گیری بعمل بیارند و الا اساس تعدیل همان است که باید اول مالیات تعدیل شود و سر بازار از آن دو گرفته شود

رئیس - جنابعالی مخالف نبودید موافق بودید

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - مخالفم با طرز تعدیل بشود

رئیس - مقصود از مخالفت با ماده است وقتیکه میسر مغلطید؟ یعنی با ماده مخالف هستید آقای نظام السلطان شما با چه مخالف هستید

نظام السلطان - بنده با ماده موافقم

سردار معظم - اینکه تعدیل این ماده را موکول ببینشاد فرمودند اگر ببینشادی شده بود در مجلس قابل توجه شده بود باز بنده بکمیسیون نظام حق میدادم که تغییر در این ماده بدهید ولی ببینشادی که تقدیم هیئت رئیسه میشود بکمیسیون نظام میبرد نمیتواند خالی از رای قطعی مجلس باشد دفاعائیکه آقای حاج عز الممالک از قسمت این ماده فرمودند بعقیده بنده رفع اشکال را نمیتواند باید دید سابقاً طرز قشون گیری چه بوده است و متدرجاً چه شده است و حالا چه اشکالاتی در پیش است در اولین حلقه قشون گیری بایک مناسبات کامل صحیح مربوطی بود و اساس قشون گیری در واقع مالیات بود تقریباً یا تخمیناً معین میکردند که هر صد تومانی باید چند نفر سر بازار بدهد متدرجاً این تناسب از میان رفت در بعضی جاها زیاد تر شد و در بعضی جاها بواسطه یک احترام خصوصی و صدور فرامین از دادن یک نفر سر بازار هم معاف شده اند یعنی بعضی جاها که باید همان عده قشون سابق خودشان را بدهند شاید بعضی تخفیفات موقوف شده اند و برعکس بعضی جاهای دیگر را وقتی از نقطه نظر مالیاتی نگاه کنیم می بینیم باز هم با آن تخفیفاتی که گرفته اند آن عده سر بازار که باید بدهند زیاد است زیرا اصل خود محل خراب شده است و استطاعت دادن آن سر بازار را ندارد پس آن تناسبی که بین مالیات و سر بازار بود برور ایام از میان رفته است باز اگر قبل از اینکه این قانون بمجلس بیاید که قشون گیری یک تعدیلی میشد و آنوقت آن تعدیل را مدرک این

قانون قرار میدادند بنده با این ماده مخالف نبودم ولی حالا اینطور نیست از یک طرف ما میدانیم بواسطه بهم خوردن تناسبی که سابقاً ما بین مالیات و نفقات قشون گیری بوده اغلب جاها همین طور که از مالیاتشان ناراضی هستند همینطور هم از دادن سر بازار خودشان شکایت دارند و خودشان را محتاج یک ممیزی و تجدید نظری میدانند و خیلی ازدهات شکایت میکنند که این عده قشون سوار و سر بازی که ما باید بدهیم متناسب با قوای ما نیست و خیلی زیاد است و از طرف دیگر می بینیم پهلوی همانند هات خراب دهات خیلی آبادی هستند که مالیات میدهند و سر بازار نمیدهند یا اینکه نه سر بازار میدهند و نه مالیات پس وقتیکه قانون گذار میخواهد یک قانونی بگذارد باید این معایب را قدری در نظر بگیرد و راه علاجی پیدا کند اگر اشکال عده که در اینجا وارد است این است که اگر اساس قشون گیری بر طبق این قانون معین میشد تمام این اشکالات مرتفع بود و اگر مجلس عوض موکول کردن بطرز بنیچه سابق و اینکه مینویسد (سر بازار کافی السابق از مجلهائی که قشون میداده اند گرفته خواهد شد) و اگر عوض این عبارت یک اصل را اتخاذ میکردیم گفت قشون ایران بطرز بنیچه است و اساس این قشون گیری اینطور خواهد بود که هر صد تومان مالیات بده باید یک نفر سر بازار بدهد آنوقت مطلب خیلی سهل و ساده بود و یک اصل کلی را مقنن تأمل شده بود و بدست مجریان آن قانون داده بود و در اینصورت برای هر دو طرف راه رفع اشکال باز بود آنوقت اگر بر یک دهی تعدی وارد میشد میتوانست بگیرد این دهم صد تومان مالیات ندارد که یک سر بازار بدهد یا اگر وزارت جنگ میدید که صاحب فلان ده از دادن فلان عده سر بازار تخلفی دارد میتوانست بگیرد برای هر صد تومان مالیات باید یک نفر سر بازی بدهی و این ده توسعه تو مان مالیات دارد و باید سه نفر سر بازی بدهی آنوقت این تناسب مضبوط میماند و بهیچوجه قابل اختلاف نبود البته باید تصدیق بفرمائید تا وقتیکه در ماده دوم یک همچو اصلی اتخاذ نشود و یک همچو پایه در این قانون معین نشود که قشون گیری بر روی آن پایه گذاشته شود آن اشکالی که آقای مؤیدالاسلام فرمودند بهیچوجه با این ماده رفع نمیشود بجهت اینکه وقتیکه این ماده را شکافتیم می بینیم مطابق این ماده بعد از گذشتن این قانون همان عده قشونی که گرفته میشد باید از مجلهای قشون بده گذارده شده بود و بوزارت جنگ اختیار داد، بود که در مواقعی که می بیند آبادی فلان قریه متناسب با این عده سر بازار نیست خودش میتواند رسیدگی بکند و بآن محل تحقیقاتی بدهد و از محل دیگر عرض بگیرد حالا در شور دوم این ماده سخت تر شده است و گفته ایم حتماً همان مجلهای باید آن سوار و سر بازار را بدهند و تمام این تعدیلهای تعمیلاتی که سابقاً میشده است باید برقرار بماند و تمام معافیتها بی چائیکه در سابق داده شده آنها هم در قانون تصویب شود و اگر یک کسی بوزارت جنگ اظهار کرد که من از عهده دادن فلان عده سر بازار نمیتوانم وزارت جنگ حق نداشته باشد آنرا معاف بدارد بلکه باید لایحه بالابندی بمجلس پیشنهاد کند که کلی آباد واقع در فلان جا پنج سر بازار دارد و از عهده دادن

بیش از سه نفر سر بازار بر نیاید آنوقت مجلس بوزارت جنگ اجازه بدهد که دو نفر سر بازار را معاف کند پس از این نقطه نظر بنده تصور میکنم اگر ماده دو را بیک ترتیبی اصلاح بکنند و یک مدرک و مبنای کلی از برای قشون گیری قرار بدهند یعنی یا جنس یا نقد یا عده نفوس یا یک چیز دیگری را مدرک قرار بدهند دو حسن پیدا میکنند یک حسنش این است که آن معافیتها و آن تعدیلات سابق از میان میروند و یک حسن دیگری هم که پیدا میکنند این است که در عمل مطابق پیشنهادیکه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند موفق باز دید قشون خواهیم شد ولی اگر باین ترتیب که در ماده دوم ذکر شده است این قانون از مجلس بگذرد دیگر ما نمیتوانیم عده قشون خودمان را زیاد کنیم بجهت اینکه قبل از این قانون عده قشون هشتاد و سه هزار نفر بود وقتیکه موافق ماده ۲ تصدیق کردیم که حتماً همان مجلهای قشون بده قشون بدهند دیگر از مجلهای دیگر نمیشود قشون گرفت و قهر از هشتاد و سه هزار نفر نمیتوان تجاوز کرد آنوقت اگر بجزئیات این هشتاد و سه هزار نفر مراجعه کنیم می بینیم تقریباً دوازده هزار نفر آنها کسانی هستند که جز روی کاغذ وجود خارجی ندارند و اگر مطابق این ماده تصور کنند صد هزار نفر قشون داریم در عمل ممکن نیست و در واقع هفتاد و دو هزار نفر بیشتر نخواهد بود پس از این دو نقطه نظر که عرض کردم باید این ماده را طوری نوشت که هم آن تعدیلات و معافیتهای سابق رفع شود و هم اشکالی برای زیاد کردن قشون نباشد مثلاً بگوئیم اساساً هر صد تومان مالیات بده در مملکت باید یک نفر سر بازار بدهد آنوقت این مسئله خیلی خوب صورت پیدا میکند و وقتی حساب بکنیم می بینیم از هیجده ضرور با بیست ضرور مالیات نقدی داریم فلان قدر سر بازار داریم پس وقتیکه این مسائل را در نظر بگیریم ماده دوم خیلی قابل دقت است و خوب است عرض اینکه موکول بمجله های سابق بکنیم یک مبنای تازه اتخاذ کنیم که این اشکالات وارد نباشد

معاون وزارت جنگ - نماینده محترم خراسان اظهار کردند که یک تناسب معینی در تمام مملکت اتخاذ شود که از روی یک ترتیب معین شروع قشون گیری شود بنده تصور نمیکنم این ترتیب در مملکت ایران قابل اجرا باشد بجهت اینکه شق بندی مالیات ایران در تمام مملکت یک طور نیست شاید چندین هزار ده داشته باشیم که یک دینار مالیات ندارد و شاید جاهای دیگر باشند که اضافه بر توانائی خودشان تعدیل مالیاتی دارند پس نمیشود آن تناسب مالیاتی که امروز هست آنرا ملاحظه قرارداد بجهت اینکه آن روزی که دولت شروع به تعدیل مالیات و قشون گیری کرده بود رعایت اخلاق و مراتب مردمان محل را نموده بود و خیلی از ولایات را از دادن سر بازار معاف کرده و مالیاتش را سنگین گرفته است و خیلی از ولایات دیگر را بناسبت سلحشوری مالیاتش را سبک گرفته و سر بازارش را زیاد قرارداد است بنابراین تصور میکنم همان پیشنهادی که در دفعه سابق وزارت جنگ کرده بود بهتر بود و اگر موافقت نمایندگان محترم یک اختیار محدودی چنانچه در ماده مرقوم شده بوزارت

چنگ داده شود و این اختیار گماگان برای وزارت چنگ باقی بماند بهتر است زیرا از نقطه نظر مالیاتی

حاج امام جمعه - بعضی از مطالبی که بنده میخواستم عرض کنم آقای سردار معظم فرمودند فقط یک چیز را مجبورم بگویم که شاهنامه جا یک نظر تساری در کار هائی که میکشید دارید من نمی دانم

این داعی ندارد دلیل ندارد در صورتیکه جماعتی سالهای دراز بواسطه فشارها و بواسطه اینکه نمی توانستند عرائض خودشان را بر کسز بسانند

هخیر - آقای سردار معظم فرمودند خوست يك نظر متناسبی در این امر گرفته شود و از قرار هر صد تومان مالیات يك سرباز بدهند بنده عرض میکنم اگر این طور باشد با آن نظریاتی که سابق داشته اند و مکرر توضیح داده اند مخالفت دارد چون

سردار معظم - آقای مغبیر در ضمن فرمایشات خودشان متعرض بسوابق شدند و مختصر تاریخی بیان فرمودند مطالبی که بنده در آن پیشنهاد خودم ذکر کرده بودم ترتیبی بود که در زمان وزارت چنگ آقای مستوفی الممالک کمیسیون چنگ تصمصم کرد حالا هم اگر وزارت چنگ بخواهد زحمتی بکشد و کلیه مجلهای قشون بده را تعدیل کند و لایحه تعدیل را بمجلس بفرستد باز ماده دوم که بنده پیشنهاد کرده ام جلوه گیری نخواهد کرد علاوه فراموش کردم عرض کنم که ماده دوم که در شور تانی در کمیسیون نوشته شده است باماده دوم این لایحه مخالفت دارد بجهت اینکه در ماده دوم يك حکمی میکند که در ماده دوم ضد او را میکند در ماده ده می گوید (در صورت

از این قشون گرفت شده عرض میکنم آن طرح قانونی که خودشان پیشنهاد کرده بودند قشون ایران را پنجاه هزار نفر معین کرده بودند و يك مقدار از بنیچه زمین میمانند و معلوم نبود از کجا باید کم شود مثلا يك فوج هشتصد نفری را شصت نفر نوشته بودند و معلوم نبود این دوست نفری که باقی مانده است از کدام دعات و بچه ترتیب کسز خواهد شد و این اسباب زحمت فوق العاده از برای وزارت چنگ و اولیاء امور میشد و آنها اینکه سرباز بده بودند مثلا آن کسیکه سرباز فوج قرائی را میداد وقتی میدید که دوست نفر از کلبه هزار نفر فوج کم شده است تمام سرباز بده ها در خیال میافزادند که يك حصه از این دوست نفر را برده باشند و این يك زحمتی از برای دولت تولید میکرد لهذا دولت مجبور شد که ۸۳ هزار و کسری که عین بنیچه است قبول کند و بعد شروع کند به تعدیلاتی که باید بشود اینرا هم باید عرض کنم که بعد از گذشتن این قانون فوری هشتاد و سه هزار نفر بر کسز احضار نخواهند شد و در تحت سلاح نخواهند آمد دسته دسته و قسمت قسمت از برای اینکار حاضر و مرتب میشوند هر قسمتی که حاضر شد البته رفع مایب میشود یعنی پیشنهاد های لازم از طرف وزارت چنگ خواهد شد و تعدیلاتی که باید بشود بمجلس می آید و بعد از قبول آقایان بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و يك مرتبه ۸۳ هزار نفر احضار نخواهند کرد اینکه آقای فرمودند تا بحال يك ظلمی میشد آیا باید حالا هم بشود ؟ بنده عرض میکنم اگر نظری این باشد پس باید امروز مالیات هم گرفته نشود بجهت اینکه همه تصدیق داریم و مکرر گفته شد است که مالیات از روی يك تناسب صحیحی نیست بعضی جاها خراب است و مالیات زیاد میدهند و بعضی جاها آباد است و مالیاتش خیلی کم است پس باین جهت مالیات هم نباید گرفته شود تا تعدیل بعمل آید بنده عرض میکنم باید يك کاری کرد که عملی باشد و آن اینست که اینصورت حاضر را همین طور حفظ کرد و بعد از برای رفع نواقصش کوشید و الا اگر غیر از این باشد ما باین زود بها قشون نخواهیم داشت

خوابی و عدم استعداد یکی از مجلهای قشون بنده که خرابی و عدم استعداد آنها وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت چنگ می تواند محل مزبور را از دادن کلبه یا قسمتی از عده بنیچه معاف نماید) پس ماده دوم يك ح تصرفی بوزارت چنگ میدهد منتها نظر وزارت مالیه را شرط میکند پس معلوم میشود که ماده دوم اصلا هیچ مربوط باین نیست که در جرح و تعدیل مجلهای سرباز بده لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد شود یا وزارت چنگ اختیار داشته باشد یا نداشته باشد مقصود از ماده دوم هم فقط اینست که اساساً از چه مجلهای باید سرباز گرفته شود مقصود این است که مادامیکه يك میزبانی و تعدیلی نشده و لایحه آنرا وزارت چنگ بمجلس نفرستاده این قشون را از کدام مجلهای باید بگیرد ؟ اقلاً یکسال طول میکشد که این لایحه را وزارت چنگ پیشنهاد کند بجهت اینکه این لایحه کار کوچکی نیست و باید وزارت چنگ دقت کند اخلاق و تولد و قرب و بعد مجلهای در تمام مملکت با هم بسنجند و آن وقت قشونی را که لازم دارد بسنجند و متناسب آن را ملاحظه کند و يك لایحه مشروحه بمجلس پیشنهاد کند که بعد از این از آن مجلهای سرباز گرفته شود ولی تا وقتیکه آن لایحه پیشنهاد نشده است چه خواهد کرد ؟ برای این مسئله در شور اول در کمیسیون نظام فقط اکتفاء باین شد که اشاره شود از همان مجلهائی که سابق قشون می داده اند قشون گرفته شود و از برای رفع اختلاف هم ماده دوم تکلیفی معین کرده است و همان ماده دوم با این ترتیبی که در این ماده دوم نوشته شده است اختلاف دارد پس در اینجا فقط باید اکتفا کرد باینکه نوشته شود افراد بیاده و سواره و توپچی از مجلهائی که سابق قشون میدادند گرفته خواهد شد .

رئیس - آقای مغبیر در این باب چه میفرمائید ؟

هخیر - بنده ترتیبش را قبلاً عرض کردم و توضیحاتی را که باید بدهم دادم حالا بسته است به رای مجلس .

رئیس - پس رای میگیریم آقایانیکه اصلاح آقای سردار معظم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

خوابی و عدم استعداد یکی از مجلهای قشون بنده که خرابی و عدم استعداد آنها وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت چنگ می تواند محل مزبور را از دادن کلبه یا قسمتی از عده بنیچه معاف نماید) پس ماده دوم يك ح تصرفی بوزارت چنگ میدهد منتها نظر وزارت مالیه را شرط میکند پس معلوم میشود که ماده دوم اصلا هیچ مربوط باین نیست که در جرح و تعدیل مجلهای سرباز بده لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد شود یا وزارت چنگ اختیار داشته باشد یا نداشته باشد مقصود از ماده دوم هم فقط اینست که اساساً از چه مجلهای باید سرباز گرفته شود مقصود این است که مادامیکه يك میزبانی و تعدیلی نشده و لایحه آنرا وزارت چنگ بمجلس نفرستاده این قشون را از کدام مجلهای باید بگیرد ؟ اقلاً یکسال طول میکشد که این لایحه را وزارت چنگ پیشنهاد کند بجهت اینکه این لایحه کار کوچکی نیست و باید وزارت چنگ دقت کند اخلاق و تولد و قرب و بعد مجلهای در تمام مملکت با هم بسنجند و آن وقت قشونی را که لازم دارد بسنجند و متناسب آن را ملاحظه کند و يك لایحه مشروحه بمجلس پیشنهاد کند که بعد از این از آن مجلهای سرباز گرفته شود ولی تا وقتیکه آن لایحه پیشنهاد نشده است چه خواهد کرد ؟ برای این مسئله در شور اول در کمیسیون نظام فقط اکتفاء باین شد که اشاره شود از همان مجلهائی که سابق قشون می داده اند قشون گرفته شود و از برای رفع اختلاف هم ماده دوم تکلیفی معین کرده است و همان ماده دوم با این ترتیبی که در این ماده دوم نوشته شده است اختلاف دارد پس در اینجا فقط باید اکتفا کرد باینکه نوشته شود افراد بیاده و سواره و توپچی از مجلهائی که سابق قشون میدادند گرفته خواهد شد .

رئیس - آقای مغبیر در این باب چه میفرمائید ؟

هخیر - بنده ترتیبش را قبلاً عرض کردم و توضیحاتی را که باید بدهم دادم حالا بسته است به رای مجلس .

رئیس - پس رای میگیریم آقایانیکه اصلاح آقای سردار معظم را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - آقای مغبیر در این باب چه میفرمائید ؟

معاون وزارت چنگ - در بعضی مواقع فوق العاده میشود که يك سواری اسپش تلف شده وزارت چنگ برای يك مدت معینی او را معاف میکند و این ترتیب در نظامنامه نوشته خواهد شد و الامین است همچنانکه از ایل سوار گرفته میشود اسب هم گرفته میشود چون در شور اول در این خصوص اعتراض شد بدین ترتیب اصلاح شد .

سردار معظم - پس خوبست يك طور دیگر نوشته شود یعنی باینطور (مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشون گیری آنها را معاف نماید) و الا نظامنامه خودش نمی تواند آنها را معاف نماید .

نظام السلطان - بنده از آقای سردار معظم تعجب میکنم که یکدفعه قائل میشوند که وزارت چنگ اقتدر اختیار داشته باشد که بتواند يك بنیچه را تغییر بدهد و در یکجا معتقد نیستند که در موقعی که یک نفر سوار اسب نداشته باشد یا کوله خورده و تلف شده باشد و آن سوار هم رشید باشد وزارت چنگ میتواند او را معاف کند گمان میکنم این مذاکره لازم نیست و لابد نظامنامه وزارت چنگ معین میکند که در چه مورد وزارت چنگ میتواند سوار را از دادن اسب معاف بدارد .

سردار معظم - بنده نمیدانم از این اصلاح عبارتی که بنده عرض کردم چه طور آقای نظام السلطان عقاید بنده را استنباط فرمودند بنده عرض نکردم در این زمینه يك اختیاری بوزارت چنگ داده شود یا يك اختیاری از او گرفته شود فقط چیزیکه عرض کردم این است که این عبارت (نظامنامه معاف مینماید) سلبی نیست بنویسد (مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشون گیری آنها را معاف کند) بنده در اصل مطالب نه موافقت کردم نه مخالفت فقط يك اصلاح عبارتی بود که عرض کردم .

هخیر - چون اصلاح عبارتی است هیبی ندارد همینطور نوشته شود .

رئیس (ماده سوم مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد) ایلات و مجلهای سوار بده کافی السابق مکلف بدادن اسب سوار میباشد مگر مواردی که وزارت چنگ مطابق نظامنامه قشونی آنها را معاف نماید .

سردار معظم - قشون گیری باید نوشته شود .

هخیر - فرق نمیکند نظامنامه قشونی کلی است و تقسیم بشعباتی میشود که یکی از آنها نظامنامه قشون گیری است بنده فرقی نمی بینم اگر هم میخواهند قشون گیری بنویسند ضرر ندارد .

رئیس (مجدداً ماده سوم با تبدیل فقط (قشونی) به (کلمه قشون گیری) قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم باماده سوم باین ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه موافقت قیام نمایند .

رئیس (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم قرائت میشود .

رئیس (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده ۴ - کلیه عده نفرات قشون بنیچه محلی فعلاً هشتاد و سه هزار و هشتصد و نود و هفت نفر

خواهد بود .

آقای فاضل - بنده توضیح میگویم موافق لایحه که ضمیمه این لایحه قشون گیریست ۸۲۸۹۷ نفر نوشته است و در این ۸۲۸۹۷ ذکر میکند میخواستیم بدانم این اختلاف را بکجا تعدیل خواهند کرد .

هخیر - مطابق صورتیکه تقدیم آقایان شده است قشون ایران هشتاد و دو هزار هشتصد و نود و هفت نفر بود ولی موافق اطلاعاتیکه از وزارت چنگ رسیده در سنه ۱۳۳۱ والی فارس (مغبیر - السلطنه) پیشنهادی بهیئت دولت کرده است که از برای بعضی عملیات و تنظیمات داخلی ایالت فارس مجبور هستم يك فوج فارسی که مطلع با اخلاق و عادات اهالی باشد داشته باشیم که بتوانیم از وجود آنها استفاده کنیم و پیشنهاد کرده اند هزار نفر سرباز بطور بنیچه از اطراف شیراز که دسترسی بشهر نداشته باشد گرفته شود همانوقت يك تقدیم بندی هم شده و بوزارت چنگ فرستاده شده وزارت چنگ و هیئت وزراء هم تصویب کرده اند و تقریباً پانصد یا چهارصد و کسری سرباز از اطراف شیراز و دعات فارس گرفته شده و ما بقی هم بعضی محلها تقسیم ولی بعضی ترتیبات یعنی اتفاقات خارجی پیش آمده که نتوانسته اند موفق به تکمیل آن شوند حالا هم چون وزارت چنگ و کمیسیون نظام وجود این هزار نفر سرباز فارس را در آنجا لازم میدانست آن صورت را هم جزو عده بنیچه محسوب داشت که این پانصد نفر حاضر باشند و پانصد نفر دیگر هم تهیه کنند که بپرد خدمات فارس بخورند و مثل سابق احتیاج نداشته باشند که باین زحمات حمل و نقل که امروز موجود است از آذربایجان يك فوج بیآورند و برای يك خدمتی بفارس بفرستند و آنوقت با اختلاف آب و هوا اسباب زحمت و ناخوشی آنها شود البته اگر بومی باشند بهتر میتواند از عهده خدمات بر آید باین جهت این هزار نفر فارسی جزو بنیچه حساب شد و عده کل ۸۲۸۹۷ نفر شد .

رئیس - مقصود از اتفاقات خارجی اتفاقاتی است که خارج از عهده ایالت فارس بود .

سردار معظم - قبل از اینکه اظهار عقیده بکنم از آقای مغبیر تقاضا میکنم باین سه فقره که عرض میکنم جواب بفرمایند تا بعد عقاید را عرض کنم اولاً در نظر دارم که در شور اول يك پیشنهادی شد که عده قشون صد هزار نفر باشد و بيك اکثریت قریب به اتفافی قابل توجه شد و بکمیسیون رفت آیا ممکن است توضیح بدهند چه طور شد که در کمیسیون نظام از این عده صد هزار نفر کاسته اند و هشتاد و سه هزار نفر نوشته اند دوم در صورتیکه فرض کنیم که تمام آن عدد سابق یعنی ۸۲۸۹۷ نفر اضافه هزار نفر فارس گرفته شود آیا در آنجا بيك سرباز و موارد توپچی وجود خارجی ندارد و بکلی از میان رفته است و استطاعت آنکه دوباره قشون بدهم ندارد وزارت چنگ چه خواهد کرد آیا کسری آن عده را از مجلهای دیگر خواهد گرفت یا اینکه باز هم بعد از گذشتن این قانون از مجلس عده قشون که خواهیم داشت باماده که در روی کاغذ است فرق خواهند داشت مثلاً دیگر آنکه چون این قانون بود چه نیست که اعداد جزء هم نوشته شود آیا سزاوارتر

نمی دانند که عوض ۸۳۸۹۷ نفر يك عدد معینی بنویسند که اعداد جزء در آن داخل نباشد خوبست این سه مسئله را توضیح بفرمایند تا بعد بنده اظهار عقیده بکنم .

هخیر - آقا سؤال اولی آقای سردار معظم که میفرمایند صد هزار نفر پیشنهاد شد و بيك اکثریت قریب با اتفافی قابل توجه شد بنده نظر نمی آید بجهت آنکه يك پیشنهادی از طرف آقای سلیمان میرزا شد و بنده بعد از آن توضیحاتی که دادم آن پیشنهاد را قبول کردم که بکمیسیون رجوع شود ولی رای گرفته نشد این جواب سؤال اولی ایشان اما در باب سؤال تالیست چون این قانون عده بنیچه را معین میکند و صورت عده بنیچه که از وزیر چنگ داده نشده بود دادند این عده بود اگر میخواستیم از این عده کم بکنیم مورد حمله واقع میشدیم و اگر میخواستیم بیفزاییم محل نداشتند و نمیدانستیم بکجا بیفزاییم این بود مجبور بودیم همان عده را که وزارت چنگ از روی ثبت های قدیم پیشنهاد کرده آنرا تقدیم مجلس کنیم اما سؤال ایشان را که چه خواهد شد آنرا باید آقای مغبیر از وزارت چنگ از طرف وزارت چنگ جواب بدهند

معاون وزارت چنگ - در خصوص عده چنانچه آقای مغبیر هم توضیح دادند و وزارت چنگ آنچه را که حقیقتاً میتواند است از محل بنیچه میکرد همان عده هفتاد و پنجاه هزار نفر بود که در لایحه پیشنهادی خودش صورت داده بود و بعد که تقاضا شد ما صد هزار نفر باشد در وزارت چنگ هم رجوع کرد بدقت و هر چه در دفتر باسم قشون محلی منظور شده همین بوده است که نوشته شده است ولی عرض میکنم چنانچه نماینده محترم خراسان اظهار کردند و آنرا بعضی از این محل های یا است چنانچه مطابق یکی از مواد گفته ایم این کسری محل از همان حوزه انتخاب شود اگر مجلس شورای ملی ۸۳۹ هزار نفر رای بدهد ناچار خواهیم بود که کسری محلی را از محل های خارج بگیریم ولی نظریات آقای وزیر چنگ و عقیده ایشان در همان هفتاد و پنجاه هزار نفر است که اول پیشنهاد شده بود

محدث السلطنه - در شور اول این قانون عده قشون را هفتاد و پنجاه هزار نفر معین کرده بودند و در شور تانی هشتاد و سه هزار کسری معین کردند و آقای مغبیر السلطنه فرمودند این عده مطابق صورتی است که وزارت چنگ فرستاده و این هزار نفر اضافه هم راجع با اضافه است که در فارس شد در این موضوع بنده میخواستم عرض کنم که اگر توضیحی دارند بفرمایند و الا حقوق بنیچه سابقاً در فارس نبوده فقط يك فوج شیرازی بود که آنرا دولت بنظر یاتی خلع و از بنیچه خارج کرد و در مقابل او سیمصد نفر سوار هرب ناصری گذاشتند و آن عده هم بطور بنیچه نبوده همیشه بطور داوطلب گرفته میشد و از يك محل بخصوصی هم گرفته نمی شد و از محل های مختلف که داوطلب بوده اند و میخواستند داخل خدمت بشوند گرفته میشد و آنرا اینجام فرموده اند پنجاه نفر سوار قشقائی و تنگستانی اینها را هم بنده نمیدانم از چه محلی است تا بحال در فارس مرسوم نبود يك همچو سواری باشد و اینکه میفرمائید هزار نفر را اخیراً پیشنهاد کرده اند صحیح است

پیشنهاد کرده اند ولی هزار نفر نه بوده و هشتصد نفر ده و از این هم بیشتر از چهار صد نفر نتوانستند حاضر کنند و گمان نمیکنم بیشتر از چهارصد نفر بتوان حاضر کرد برای اینکه مجلسی که معین کرده اند بیش از یازصد نفر کنجایش ندارد بجهت اینکه بنا بود این عده را املاک شهری بدهند و پیش از این نمیدهند حالا اگر آقای مخبر اطلاع دیگری دارند و غیر از این است توضیح بدهند تا بنده قانع شوم

داشته باشد از این نقطه نظر وزارت جنگ مجبور خواهد بود که داخل این عملیات تازه بشود در این صورت خوب بود آقای معاون وزارت جنگ که میخواهند هفتاد و پنج هزار نفر از مجلهای قدیم بگیرند عوض هشت هزار نفر دیگر که باید از مجلهای تازه بگیرند بیست و پنج هزار نفر بگیرند که مجموع قشون ایران صد هزار نفر بشود و یک عددی هم مثل هشتاد و سه هزار هشتصد و نود و هفت نفر در قانون نباشد بلی اگر داخل عملیات جدیدی نمیشدند و میگفتند تمام این صورتیکه ما نوشته ایم بسادار و منظم و مرتب است و وجود خارجی هم دارند آنوقت بنده هم قبول میکردم اما وقتی خود ایشان تصدیق میکنند که مازاد هفتاد و پنج هزار نفر را باید از مجلهای تازه بگیرند عوض هشت هزار نفر ممکن است بیست و پنج هزار نفر بگیرند که صد هزار نفر قشون داشته باشیم

معاون وزارت جنگ - نماینده محترم خراسان را متذکر میکنم بمذاکرانی که در جلسه قبل شد پیشنهاد وزارت جنگ همان هفتاد و پنج هزار نفر بود بجهت اینکه میدانست از محل های بنیچه قدیم بیشتر از این عده را نمیتواند حاضر کند حالا هم پیشنهاد وزارت جنگ همان عده است ولی چنانچه عرض شد مجلس شورای ملی نظر داشت که این عده در قدیم صد هزار نفر بود و باید بهمان صد هزار نفر مراجعه شود در قسمت جنگ هم ناچار شد صورت و ثبت دفتر را بمجلس شورای ملی بفرستد ولی مازاد هفتاد و پنج هزار نفر تا هشتاد و سه هزار نفر بعضی محل هاست که سرحدات خراسان و غیره فعلا معلوم است و خیلی مشکل است بتوان از آن محل ها قشون گرفت و اگر هم علاوه از این عده می نوشتیم مورد اعتراض مجلس میشدیم که چرا زیاد تر از ماخذ بنیچه نوشته ایم لهذا هر چه در دفتر بود نوشتیم حالا هم بنده نظر آقای وزیر جنگ را اظهار میکنم که اگر همان ثبت دفتر فعلی همان هشتاد و چهار هزار نفر را ابقاء کنند ناچار وزارت جنگ مصمم خواهد شد که بانظر وزارت مالیه داخل عملیات بشود و بانها صورت صحیحی بدهد ولی اگر همان هفتاد و پنج هزار نفر را که پیشنهادی وزارت جنگ و عده حقیقی و واقعی است مجلس شورای ملی تصویب کند هیچ اشکالی ندارد و مستقیماً داخل عملیات میشود

سلیمان میرزا - قبل از اینکه داخل اصل مطلب شوم سؤالی از آقای معاون دارم که آیا معافیت هائی که صحبت میشود اگر برگشت کند بر این عده اضافه خواهد شد یا خیر؟ این مسئله را جواب بفرمائید تا بعد بنده عقیده ام را عرض کنم

معاون وزارت جنگ - معافیهائی که داده شده است از ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه و شاید قبل از آن بوده و بموجب قوانین بوده است نمیتوانم معافیهائی را که از پنجاه شصت سال قبل بموجب فرمان پادشاهی داده شده است چگونه میتوان امروز پس گرفت که صدای مردم بیرون نیاید با این وصف آن عده هم هلاج نمیکنند و از ماخذ صد هزار نفر باز کمتر است

سلیمان میرزا - بنده اولاً آقای معاون را متذکر میکنم که صدای اهالی مملکت مالز برای

سربازی و فداکاری به چوچه بیرون نمی آید تماشان فدا کار و جان نثار هستند و منتهای آرزوشان این است که داخل نظام قشون بشوند صد هزار نفر که چیزی نیست مملکت ما باید مملوونها قشون داشته باشد اهالی مملکت ما کاملاً حاضر هستند و هر نوع مالیاتی وضع میکنیم بجان و دل میدهند و برای حفظ استقلال مملکتشان از جان و مال میگذرند و در نهایت افتخار حاضر هستند لباس سربازی بپوشند و جان نثاری میکنند و بعد از این تذکر عرض میپردازم که آقای حاج امام جمعه فرمودند که خوب است مساوات را در نظر داشته باشیم البته بنده هم از قدیم طرفدار این عقیده بوده ام و امیدوارم در آتی هم باشم و در هر کاری که مساوات منظور شود البته نهایت عدل است و البته خیلی خوشوقت میشدم که در قانون نظام مساوات مطلق پیشنهاد میشد یعنی بعبارة آخری وزارت جنگ پیشنهاد میکرد که تمام افراد ایرانی مجبورند از فلان سن جزو قشون ایران مستخدم باشند و چند سال خدمت بکنند این منتهای آرزو و آرزو بنده بود و آن روز حقیقتاً بهترین روز این مملکت میدانستم حالا که نخواستند این پیشنهاد را بکنند بنده هم از این مسئله میگذرم و با عقیده آقای حاج امام جمعه موافق هستم که بنیچه از روی مالیات باید پیشنهاد شود و معلوم باشد چه مقدار مالیات بده باید یک نفر سرباز بدهد و آنچه در قدیم بوده است همانطور برقرار باشد یعنی تمام معافیهائیکه هرچکس فرمان معافیت نداشته باشد و از این تاریخ فرمانش اعتبار نداشته باشد اینکه آقای معاون وزارت جنگ تعجب فرمودند که چگونه میشود معافیهائی را که در قدیم داده اند لغو کنیم ما از برای اصلاح همین کارها اینجا آمده ایم اگر تمام فرامین قدیم و کارهائی که میشد صحیح بود ما انتخاب نمی شدیم و حق داریم آنچه شده است مطابق مقتضیات امروز اصلاح کنیم حتی قوانینی را هم که خودمان وضع میکنیم بعد از یک دوره عملیات و تجربیات میتوانیم اصلاح کنیم پس عقیده و مجبور نیستیم فرمانی که آنوقت داده شده در صورتیکه میدانیم ترتیب گرفتن فرمان چطور بوده و چه اشخاصی فرمان گرفته اند و این بچاره بدبختی که دستش بجائی نمیرسد ابتدا با او تخفیف نمیدانند و مجبور بود ده خودش را منتقل کند و از گرسنگی نمیرد ولی بالعکس آن خوشبختی که دستش بمقامات عالیه داشت با یک مختصر اقدامی همانطور که تخفیف از مالیات میگرفت از تمام تکالیف جنت مکان میشد نه مالیات میدادند سرباز میداد نه سوار میداد و همیشه یک صنوف ممتاز بود که مایل بودند دیگران زحمت بکشند و آنها صرف خود کنند و با نهایت بزرگواری و بی احتیائی مردم نگاه کنند پس بنا بر این بنده کاملاً طرفدار این مسئله هستم که یک ماده در اینجا پیشنهاد شود و کاملاً با عقیده آقای حاج امام جمعه موافق است که تمام معافیها لغو شود این مطلب یک چیز تازدای هم نیست مثل اینکه در قوی ثیل مجلس شورای ملی تمام تخفیفات و تسهیلات را لغو کرد آنها هم مثل این معافیهای سرباز گیری فرمان داشتند ما هم در اینجا میتوانیم تمام تخفیفات و معافیهای سرباز گیری را از این ساعت لغو میکنیم و قتیکه لغو کردیم باز بالنسبه یک مساواتی در سرباز گیری بعمل میآید یعنی مطابق آن بنیچه قدیم بدون ملاحظه فقیر و غنی همه کس

سرباز خواهد داد چون در قدیم این مسئله برای تصرف املاک مردمانی دست و پایی ترتیبی بوده یعنی سرباز را از محلی به محلی نقل میکردند و خودشان را معاف میکردند برای اینکه آن مالک بدبخت از فشار سرباز دادن مجبور شود و از مالکش صرف نظر کند و ملکش را بیک نفر بانفوذ و اقتدار واگذار کند که باز دست او بمقامات عالیه برسد و یک تخفیف تازه بگیرد پس آن فرمانها که بطور قطع تماش بوقوع گرفته نشده و دولتش بهمین ترتیبات گرفته شده باید تمام لغو باشد و قتیکه آنها را لغو کردیم آنوقت گمان میکنم عده قشون از صد هزار نفر هم تجاوز کند و محلی پیدا شود که لااقل ما یک عده معین صد هزار نفری قشون داشته باشیم

مخبر - بنده فرمایش آقای سلیمان میرزا را تأیید میکنم که بیشتر این معافیها که تا بعال داده شده است متعلق باغیاب بوده است و کسانی که توانسته اند دستی بدر یاد داشته باشند این تخفیفات را گرفته اند و فقراء یعنی مساکین جزء همیشه سربازهای خودشان را داده اند ولی اینکه فرمودند آقای معاون وزارت جنگ تعجبی از لغو شدن فرمانهای معافیت دارند البته بملاحظه جنبه سربازی حق دارند تعجبی داشته باشند بنده گمان میکنم اگر مجلس باین ترتیب رأی بدهد یکی از بهترین رایها خواهد بود که هم بر عده قشون افزوده میشود و هم تا انداره تساوی بعمل خواهد آمد

رئیس - کویا مذاکرات کافی باشد

سردار معظم - سؤالی دارم

رئیس - اگر پیشنهادی دارید بعد از تنفس پیشنهاد خواهید کرد

(در این موقع تنفس شده و پس از ده دقیقه)

رئیس - آقای سردار معظم سؤالی داشتید؟

سردار معظم - درباره آن پیشنهادهایی که شده است در موقع توضیح دادن عرض خودم را خواهم کرد

رئیس - پیشنهادی آقای سلیمان میرزا و سردار معظم و حاج عزالمالک کرده اند قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - کلیه عده نفرات قشون بنیچه محلی فعلاً صد هزار نفر خواهد بود باین ترتیب که پس از تعیین عده یادار مجلهای قشون بده حاله محل کسر صد هزار نفر را از نقاط آباد دیگر معین نموده و بوجوب لایحه مخصوص بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود

رئیس - آقای سلیمان میرزا توضیحی دارید بفرمائید

سلیمان میرزا - توضیح پیشنهادیکه بنده و آقای سردار معظم و حاج عزالمالک کرده ایم مذکراتی است که در حقیقت قبل از این پیشنهاد در مجلس شده است مقصود این است که دولت ایران فعلاً صد هزار نفر قشون که در بنیچه وزارت جنگ پیشبینی شده است داشته باشد خیلی مطابق صورت بنیچه آن محل هائی که یادار نیستند خارج میکنند و بقیه را که یادار شد جمع آوری نمیکند اگر یک مجلهائی شود که حقیقتاً از روی عدل و انصاف صاحبان آن ملک و صاحبان آن مجله استظهار ندارند مطابق ماده هم معاف خواهد بود آنوقت پس از آنکه این ترتیب شد برای کسری عده تا صد هزار نفر وزارت جنگ

برای معافیکه سرباز نمیدهند باید ترتیبی بدهد و لایحه آنرا بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند که پس از تصویب مجلس از آن فرار سرباز گرفته شود و عده قشون فعلاً صد هزار نفر برقرار شود

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

رئیس - مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم

(بمضمون سابق قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم در این اصلاحی که آقای مخبر فرمودند و در واقع ماده چهارم است آقایان بنیچه تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده الحاقیه هم بعد از این ماده پیشنهاد شده است و ماده پنجم میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

این بنده گان ماده واحده ذیل را پیشنهاد میکنم

محل هائی که مطابق قوانین و احکام از دادن نفقات قشون معاف شده اند در صورتیکه مطابق ماده دهم معافیت آنها تصدیق نشود از معافیت محروم و مکلف بدادن قشون خواهند بود

سردار معظم - سلیمان میرزا - حاج عزالمالک

مخبر - این راه قبول میکنم

رئیس - پس توضیح ندارد رأی میگیریم

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده بابرگشت این تخفیفاتی که در زمان سابق گرفته اند هم عقیده هستم ولیکن تخفیفات چند قسم است که باید اینجا توضیح داده شود که بعدها اسباب زحمت فراهم نشود یک نوع از تخفیفات این است که یکدهی مثلا ده نفر سرباز داشته است پنج نفر آنرا تخفیف گرفته اند این یک قسم از تخفیف است که بواسطه بعضی خصوصیتها که در کار بوده است غالباً این نوع استفاده هارا میکردند

یک نوع از تخفیف ها هم همینطور بوده است که این تخفیف را که از این محل میگرفتند تحصیل بعمل دیگر میکردند مثلا در یک حوزه که باید هزار سرباز بدهد از یک دهی ده نفر سرباز تخفیف گرفته میشد و این تخفیف سرشکن بدهات و جاهای دیگر میشد حالا باید اینجا توضیح داده شود و در این ماده نوشته شود که آن تحمیلی که بر مجلهای دیگر بملاحظه این تخفیف شده است بر میگردد و بعالت اولیه خواهد آمد که آن نظر مساوات و عدالت قانونی ملحوظ شده باشد این یک نظر دیگر این است که تخفیفاتی که گرفته شده است بعضی از آنها مطابق یک قرارداد دولت یادوت بوده است مثلا یک فوج کلیایکرا دولت بکلی تخفیف داده و بخشیده است اما چطور تخفیف داده باینطور تخفیف داده است که اهالی یادوت یک مذاکره کرده اند و یک اضافه مالیاتی بر آنها تحصیل شده است یعنی خانواری محلی سرباز را اضافه بر مالیات کرده و تخفیف داده اند و بواسطه این تخفیفی که بانها داده شده است یک اضافاتی بر آنها تحصیل شده است حالا اگر بخواهند این تخفیف را برگردانند و آن مالیات بجای خودش بماند تصور میکنم آن محل کنجایش این تحصیل را نداشته باشد باید در این ماده تصریح شود که آن مالیات بعالت اولیه خودش برگردد و این

تعمیل ثانوی بر آنها نشود قبول دارم تخفیف را برگردانند ولی آنچه بنیچه بواسطه این تخفیف بر آنها تحصیل شده است افلا باید آنها هم برگردد و تحصیل بر مردم نشود در این ماده این چیز ها درست شرح داده شود که اسباب زحمت برای مردم فراهم نیاید و متصل اسباب شکایت و بعضی ترتیبات فراهم شود

سردار معظم - بنده تصور میکنم بر این پیشنهادی که از طرف بنده و آقایان شده است اشکالات آقای حاج شیخ اسدالله وارد نیست بجهت اینکه ما هیچ داخل نشده ایم که بچه شقوق و بچه نعو یک تخفیفی را گرفته اند اینجا فقط حکم میکند تخفیفاتی که تا بحال بر حسب احکام و قوانین بوده است چون آن قوانین معتبر نبوده است آنها برگردد در بعضی موارد هم مجلهائی هست که حقیقتاً تخفیفات باجائی دارند برای آنها یک راه حلی در ماده دهم پیشبینی شده است پس و قتیکه این نظر را اتخاذ کردیم دیگر این اشکال باقی نمی ماند و اینکه فرمودند بعضی نقاط را از دادن سرباز معاف کرده اند و بعد تحصیل و سرشکن بسایر نقاط کرده اند و باید در این ماده قید شود که آن تحصیل برگردد بنده تصور میکنم هیچ لازم نیست این قید بشود بجهت اینکه ما داریم بیست و پنج شش هزار نفر تقریباً اضافه می کنیم و سعی می کنیم مجلهای تازه برای گرفتن بیست و پنج هزار نفر پیدا کنیم پس بنابراین مقتضی خواهد بود که یک عده که تا اکنون سرباز میداده اند آنها را معاف داریم و دیگر اینکه فرمودند اگر عده سربازی که تخفیف گرفته اند آنوقت بعضی مجلهها استطاعت دادن مالیات و سرباز را نخواهند داشت ما هم بهمین ملاحظه کنیم که آن محل بوزارت جنگ و وزارت مالیه مراجعه کند آنها هم تحقیق خواهند کرد اگر استطاعت دادن مالیات و سرباز را دارند هم مالیاتشرا خواهند گرفت و هم سربازش را و اگر استطاعت ندارد همانطوریکه سابقاً تخفیف داشته اند حالا هم بانها تخفیف داده خواهد شد ما که از این مطلب جلوگیری نکرده ایم و راه او را مسدود نکرده ایم فقط در تخفیف دادن یک شقی اتخاذ کرده ایم و گفته ایم هم با نظر وزارت مالیه باشد هم با نظر وزارت جنگ نظر وزارت مالیه از نقطه نظر مالیاتی و نقطه نظر وزارت جنگ از نقطه نظر قشونی باید در کار باشد و مطابق نظر این دو وزارت خانه تخفیف داده میشود آنوقت اگر وقت کردند و استحقاق یک محلی را که حقیقتاً قوه دادن سرباز را نخواهد داشت تصدیق کردند البته معاف خواهد بود در این صورت نمیتوانم اشکال آقایان چیست

حاج شیخ اسدالله - بنده عقیده ام اینست که طرز سرباز گیری بطور عمومی اجباری باشد که کاملاً تمام افراد مردم در تحت نظام باشند ولیکن در این موقع که قشون گیری بطرز اجباری خصوصی است هیچ تصدیق نمیکند بی ترتیب باشد یعنی از روی یک نظر تساوی و عدالت نباشد اینکه در اینجا پیشنهاد شده است تخفیفات برگردد برای چه چیز است؟ برای اینست که نظر عدالت و مساوات در او ملحوظ داشت و بدون استحقاق یک محلی را تخفیف داده اند و حال آنکه آن تخفیف مناسب آن محل نبوده اگر نظر را دارند باید آن تحمیلی هم

که بريك مجلسی که گنجایش دادن سرباز را ندارد شده است باید برگردد و نظر عدالت و مساوات در آن جا هم ملحوظ شود چه طور شده است که تخفیفی که داده شده است برگردد؟ اما آن تخفیفی که بر يك مجلس ضعیف بی بانی شده و آن مجلس بواسطه همین تخفیف بکلی خراب شده است آن نظر عدالت و مساوات را در آنجا ملحوظ نکنیم و بگوئیم چشمتان کور شود سرباز خودشانرا اگرچه ضعیف هم هستند بدهند پس آن تخفیف بی موقعی هم که در زمان استبداد بر يك مجلس ضعیفی شده است باید برگرداند اینک گفته شود آن بیچاره که میداده است حالا هم بدهد بلی میداده اما چه قسم میداده با کمال سختی که بهمین جهت دهش ویران و خراب شده است و آن بیچاره يك زحمت و مشقاتی را متحمل میشده است تا آن سرباز را حاضر کند پس همچنانکه این سربازی را که تخفیف گرفته اند بر میگرددند همین قسم سربازی هم که تخفیف بر محللهای غیر لایق میشده آنها هم باید برگشت کنند ولی نکته اساسی در خصوص آن تحقیقاتی است که با دولت مطابق يك قرارداد داده شده است عرض کردم اگر بهمین حال بگذاریم و بگوئیم تخفیف يك فوجی را که بعجل گلیایگان دادند برگردد و تمام آن فوج گرفته شود آنوقت در موقع شکایت بوزارت جنگ و وزارت مالیه رسیدگی بکنند اگر آن مجلس گنجایش دادن آن اضافه مالیات را نداشت آنها تخفیف داده خواهد شد اینطور نیست اگر اینطور باشد باید يك قانون ممیزی مینویسد و در تمام مملکت ممیزی مالیاتی بشود و تعدیل مالیات بشود که همه یکسان باشند اگر اینطور شد بنده عرضی ندارم اما این تخفیفی که بر این مجلس مخصوص شده است در مقابل يك فوج سرباز بوده است و حالا که میخواهند بروند این سرباز را باید يك مخارج فوق العاده بگیرند دیگر سزاوار نیست آن تخفیفی که سابق بر آنها شده است بعجل خودش باقی باشد و بگوئیم بوزارت جنگ و وزارت مالیه رجوع کنند و ببینند آنها تصدیق میکنند برگشت کند یا خیر؟ این خیلی مشکل است هم اسباب يك زحمت فوق العاده برای مردم فراهم خواهد شد و هم باعث این خواهد شد که نمیتوانند آن مالیات را وصول کنند و نه آن سرباز را بتوانند بگیرند پس باید يك طرز عملی باشد که مردم هم آسوده باشند.

حاج عز الممالک - بنده که این پیشنهاد را امضاء کردم مقصودم قسمت اول بود یعنی افواجی که تا بحال سرباز ندادند و رو اسای آنها بموجب فرمان یا بموجب احکام در وزارت جنگ یا بواسطه احکام شخصی خود شان يك دهی را از دادن سرباز معاف میکردند و این مسئله باعث میشد که تمام عده فوج سر خدمت حاضر نمیشد اساساً آن تخفیفات باید برگردد یعنی يك دهی که بموجب فرمان یا حکم یا خبر دیگر ازدادن يك عده سرباز تخفیف داشته است حالا بدانند که آن تخفیف در کار نیست و باید کمالاً سرباز خود را بدهد مثلاً فوج ملایر که سابقاً تخفیف میگرفت حالا باید کمالاً سر خدمت حاضر باشد و آن عده سربازی که در دهات معمول بوده است همان دهات باید بتمام سرباز خودشانرا بدهند آنوقت وزارت جنگ وزارت مالیه دقت میکنند

اگر دیدند فلان محل قابل تخفیف است مجدداً تخفیف میدهند و گمان میکنم مجلس شورای ملی هم موافق باشد که آن محل هائی که تا کنون سرباز میدادند حالا هم سرباز خودشانرا بدهند اما اگر اساساً بموجب يك قراردادی دولت يك مجلسی را از دادن سرباز معاف کرده این ماده برای این مقصود کافی نیست که ما اجازه بدهیم وزارت جنگ يك فوج جدیدی بگیرد و بطوریکه ماده چهارم تصریح کرده عده قشون صد هزار نفر خواهد بود وزارت جنگ بنیچه را معمول خواهد داشت و از محل یادار سرباز خواهد گرفت و آنچه که محل پیدا کند از آن محللهائی که تخفیف بی جا گرفته اند خواهد گرفت و الا اگر بنا شود فوج جدید گرفته شود البته گرفتن يك فوج یعنی تخفیف اساسی يك فوج يك محل يك چیزی نیست که بشود شخصاً بوزارت جنگ اختیار داد بنده با این نظری که عرض کردم پیشنهاد کردم حالا اگر آقای مخبر و معاون وسایر آقایان موافقت با این نظر خواهند داشت بنده به پیشنهاد خود باقی خواهم بود و الا امضای خودم را پس میکنم.

مخبر - این جا دو مسئله مختلف بود که لازم بود يك قدری توضیح داده شود و آن این بود که بعضی قوانینی تخفیف داده شده است یعنی بعضی دهات را از دادن سرباز معاف کردند ولی از قراریکه معاون وزارت جنگ میگویند این مسئله تا بحال نظری نداشته است یعنی سربازی را که معاف کرده اند تا کنون ازده دیگر عوضی گرفته نشده است و بهمان ترتیب باقی مانده است یعنی کسر محل داشته است و اما در اینک افواجی که تا بحال در این سنوات اخیر یا قبلاً معاف شده اند بنده گمان میکنم آن يك نظر کاملی لازم دارد و يك مدافعه از طرف وزارت جنگ و وزارت مالیه باید بشود که آیا دوباره از آنها سرباز گرفته شود یا خیر؟ تصور میکنم از نقطه نظر افراد این پیشنهاد شده است یعنی قسمت های کوچکی که در هر فوجی معاف شده است دوباره برگردد و الا اگر مقصود غیر از این باشد بنده هم يك قدری تأمل دارم.

رئیس - چون آقای مخبر هم ملاحظاتی دارند و این قانون هم امروز ختم نخواهد شد اگر صلاح میدانند بهمانند برای جلسه بعد که در کمیسیون هم نظری بشود و پیشنهاد شود چند فقره پیشنهاد دیگر هم راجع بخواهد دیگر رسیده است بکمیسیون راجع میشود اسامی آقایانی هم که از عضویت کمیسیونها استعفا دادند در خارج مجلس اعلان شده است آقایان وقتی تشریف میبرند رای خودشان را بدهند.

ارباب کیمخسرو - بموجب اصل بیست و چهارم قانون اساسی و معمول سابق بتمام مستخدمین خارج که سمت استخدام دارند و باید کتکترت شوند کتکترت باید بمجلس بیاید و مجلس کتکترت آنها را تصویب کند این دوره از ابتدای مجلس تاحال هیچ کتکترتی بمجلس نیامده است علاوه يك عده هم هستند که بی کتکترت هستند بنده تقاضا میکنم از هیئت دولت جداً خواسته بشود صورت اسامی تمام مستخدمین خارج را هم از اینک موعده کتکترتشان منقضی شده باشد یا نشده باشد و با کتکترت نداشته اند تمام

داخله همانطوریکه اظهار شد تاکید می شود که زودتر بفرستند راجع بکتکترت ها هم همانطور است که میفرمایند خیلی از کتکترت آنها تجدید شده است همینطور که فرمودند نوشته می شود تاکید می شود آن کتکترت هایی که تجدید شده است بفرستند و بعدها هم بدانند کتکترت بدون تصویب مجلس نباید تجدید شود دو فقره راپورت شعبه راجع باعتبار نامه آقای رفعت الدوله و حسینعلی خان نواب هست میفرمایند در این مجلس را بدهیم یا بماند برای جلسه بعد (گفته شد برای جلسه آتی بماند بهتر است)

رئیس - پس در جلسه آتی به جز دستور خواهد بود جلسه روز سه شنبه ۳ ساعت قبل از غروب دستور آن شور در بقیه قانون قشون گیری واخذ رای در اعتبار نامه ها است یک نفر از آقایان منشی ها هم که آقای صدر الملك هستند استعفادادند در جلسه روز سه شنبه عرض ایشان هم باید انتخاب شود - در این موقع برای نظارت در استخراج آراء انتخاب کسر اعضاء کمیسیونها آقایان حاج معین النجار مشار الدوله و حاج شیخ محمد حسین استرآبادی بحکم قرعه معین شدند.

جلسه ۷۶

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه شانزدهم شهر ذی حجه ۱۳۳۴

مجلس تقریباً یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای طباطبائی نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز یکشنبه چهاردهم قرائت گردید.

غائبین با اجازه - آقایان ادیب السلطنه - آقا سید محمدرضا مساوات سردار معتمد.

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج سید اسدالله مجتهد قزوینی، ملک الشراء، شریعتمدار، نجفعلی میرزا، محمد هاشم میرزا.

مریض - آقایان آقا شیخ رضا دهخوارقانی، مصبر الملك، میرزا قاسمخان.

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست.

سلیمان میرزا - گمان میکنم معاون وزارت جنگ قبل از اظهارات بنده فرمودند فرمانهای دولتی ممکن التعمیر نیست در صورت مجلس اشتباه شده و اظهار آقای معاون را بعد از اظهارات بنده نوشته اند.

نایب رئیس - همینطور اصلاح خواهد شد دیگر نظریاتی هست.

حاج امام جمعه - يك جمله از اظهارات بنده را نوشته اند و يك جمله را نوشته اند بنده اظهار كردم بعضی جاها بی موقع معافیت داده اند و در بعضی جاها تحجیلات فوق العاده کرده اند این جمله را ننوشته اند ولی جمله دیگری را که عرض کردم باید اختیار بوزارت جنگ داده شود اینها را اصلاح نماید نوشته اند.

نایب رئیس - این هم اصلاح خواهد شد.

ارباب کیمخسرو - در خصوص کتکترت های مستخدمین خارجه بنده عرض کردم اهم از اینک

موقع آنها منقضی شده باشد یا نشده باشد استفاده این که هیچ کتکترت ندارند در صورت مجلس از مستخدمین که هیچ کتکترت ندارند ذکر نمی کرده اند

نایب رئیس - نوشته خواهد شد دیگر اعتراض در صورت مجلس نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز یکی رسیدگی باعتبار نامه آقایان حسینعلیخان نواب و رفعت الدوله است اول شروع میکنیم بمذاکره در باب اعتبار نامه آقای حسینعلیخان نواب.

آقای ناصر الاسلام مخبر شعبه سیم راپورت آن شعبه را بمضمون ذیل قرائت نمودند.

بتاریخ چهاردهم شهر ذی حجه ۱۳۳۴ شعبه سیم منعقد و شروع برسیدگی اعتبار نامه آقای حسینعلیخان نواب نمودند اعتبار نامه و صورت مجلس انجمن نظار مرکزی طهران قرائت شد چون انتخاب ایشان مطابق با مواد قانونی بوده و هیچوجه شکایتی راجع بچیران انتخاب نرسیده بود لهذا شعبه نمایندگی ایشانرا از طرف اهالی طهران و توابع که با کثرت ۳۶۸۹ رای از ۱۴۱۸۷ نفر رای دهندگان انتخاب شده اند تصدیق مینماید.

نایب رئیس - با انتخاب آقای حسینعلیخان نواب مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی نیست رای میکنیم در اعتبار نامه آقای حسینعلیخان نواب آقایانیکه با انتخاب آقای حسینعلیخان موافقتند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد شروع می کنیم بمذاکره در باب اعتبار نامه آقای رفعت الدوله آقای خان بابا خان مخبر راپورت شعبه چهارم را قرائت میفرمایند.

(بمضمون ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ یکشنبه چهاردهم شهر ذی حجه ۱۳۳۴ شعبه چهارم در تحت ریاست آقای مومتن الملك منعقد و در خصوص اعتبار نامه آقای رفعت الدوله نماینده جیرفت رسیدگی بعمل آمد و صورت مجلس شروع راجع بانتخابات آن محل و مجال جزء نیز ملاحظه شد فقط سه مسئله طرف ملاحظه شعبه واقع گردید اولاً راجع بمدت اعلان قبل از انتخاب که مطابق ماده (۲۱) قانون انتخابات بایستی بنا با همت محل ازده روز الی یک ماه بشود و در انتخابات جیرفت این نکته کاملاً رعایت نشده ولسی نظر باینکه در ایام تفرقه دادن قائل بامتداد شده اند و هم چنین در موقع گذشتن بعضی از اعتبار نامه ها سابقه پیدا کرده است قابل توجه نشد ثانیاً راجع بآراه باطله که مطابق ماده ۳۴ قانون انتخابات باید ضمیمه صورت مجلس باشد اگرچه آراء مزبور ضمیمه صورت مجلس انتخابات محل مزبور نیست ولی بدو دلیل این تقاضا را هم شعبه قابل توجه ندانست اولاً در انتخابات بعضی از نقاط دیگر سابقه داشت و دیگر اینکه اگر عده آراء چهار ورقه نبوده از آراء آقای رفعت الدوله کسر شود باز اکثریت با ایشان است ثالثاً راجع بمدت اعلان در رودبار و عدم تشکیل انجمن در اسفند که مطابق جدول منظم بقانون انتخابات این دو محل نیز حق انتخاب را دارند و بایستی اعلان بشود و

نشده است و ثوق الرعاظین که از طرف ایالت مامور صحت جریان انتخابات بوده صریحاً تصدیق نموده است که مدت دوازده روز در رودبار رفته و امر انتخابات را گوشزد اهالی کرده است ولی اهالی مایل بشرکت در انتخابات نشده اند بنا بر این اشکال هم مورد توجه نشد در باب عدم تشکیل انجمن نظار در اسفند بنا بتحقیقی که شده است چون اهالی محل مزبور آنوقت را در جیرفت محل شلاق خودشان بدهاند همانجا شرکت در انتخابات نموده اند لهذا شعبه چهارم صحت نمایندگی آقای رفعت الدوله را که با کثرت ۱۱۷۳ رای از ۱۳۹۱۷ نفر رای دهندگان انتخاب شده اند تصدیق مینماید

نایب رئیس - با انتخاب آقای رفعت الدوله مخالفی هست اظهاری نشد مخالفی نیست رای میکنیم آقایانی که با انتخاب آقای رفعت الدوله موافقتند قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - شروع میکنیم بانتخاب یک نفر منشی بجای آقای صدر الملك در این موقع اخذ آراء شد و آقایان معدل الدوله و سلیمان میرزا طاهر تنکابینی بحکم قرعه برای استخراج آراء معین و به ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد.

عده رای دهندگان ۶۱ نفر مهر تقبلیشبه ۶۱ عدد.

آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای آقای نظام السلطان ۲۸ رای آقای آصف الممالک يك رای - آقای ادیب السلطنه بکرای ورقه سفید علامت امتناع ۲ عدد.

نایب رئیس - چون اکثریت تامه حاصل نشد باید تجدید انتخاب شود.

سردار معظم - عده آراء چندر است

نایب رئیس - عده رای دهندگان ۶۱ نفر است آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای دارند آقای نظام السلطان ۲۸ رای دارند مجدداً اوراق رای توزیع و پس از استخراج آراء بترتیبی که ذیلاً مندرج است نتیجه حاصل شد عده اوراق رای ۶۰ مهره تقبلیشبه ۶۰ عدد آقای حاج میرزا اسدالله خان ۲۹ رای آقای نظام السلطان ۲۹ رای ورقه سفید علامت امتناع ۲ عدد

نایب رئیس - چون در دفعه ثانی هم اکثریت تامه حاصل نشد ثالثاً تجدید میشود و در دفعه سیم اکثریت نسبی کافی خواهد بود

نظام السلطان - بنده در کمیسیون از آقایان استعفا کرده بودم اسم بنده را ننویسند و باز هم نوشتند حالا هم تقاضا میکنم اسم بنده را ننویسند (ثالثاً اوراق رای منتشر و پس از استخراج آراء بشرح ذیل نتیجه حاصل شد) عده اوراق رای ۶۲ مهره تقبلیشبه ۶۲ عدد آقای حاج میرزا اسدالله خان ۳۰ رای - آقای نظام السلطان ۲۹ رای - آقای حاج سیدرضا فیروز آبادی بکرای ورقه سفید علامت امتناع ۲ عدد.

نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان کردستانی با اکثریت نسبی ۳۰ رای از ۶۲ رای بسمت منشی انتخاب شدند چون روز پنجشنبه عید

۷